



دکتر حبیب حاجی پور: آموزه های اخلاقی منظومه "تا رهایی" حمید مصدق با توجه به نظریه کنش های رفتاری جان سرل

Moral Teachings in the Poem "To Liberation" by Hamid Mossadegh with an Approach to John Searle's Theory of Speech acts

H. Hajipoor Ph.D.*

Dept. of Persian Language and Literature, Farhangian University, Shahid Bahonar Campus, Birjand, Iran

Abstract

Background: Hamid Mosaddegh, one of the prominent contemporary poets, has mentioned various moral issues in the poem "To Liberation". Considering various speech acts, he has explained these principles and influenced the audience's understanding and insight. John Searle is one of the famous linguists who gave explanations about speech acts and considered types for them. In this article, referring to library sources and descriptive-analytical method, the moral and educational capacities of the poems contained in the "To Liberation" system have been examined and analyzed with regard to the foundations of the theory of speech acts from Searle.

Conclusion: The poet in the act of expressing moral teachings such as: "anti-tyranny; unity and empathy; Hope for life and not despairing in the worst conditions" has mentioned. In connection with persuasive action, a set of moral musts (non-passivity against oppressors; self-belief) and moral must-nots (sadness and crying in front of oppressors; pride and arrogance) have been explained to the audience. Emotional actions also indicate that if temptation penetrates a person, he is doomed to sorrow. Also, the lack of deep human ties in contemporary times is the poet's moral concern. Examining the act of obligation in Mosaddegh's poems shows that the poet committed himself to anti-tyranny by using ideological and religious elements.

Keywords: Hamid Mosaddegh, To liberation, Ethics, John Searle, Speech acts

***Corresponding Author:** H. Hajipoor, Dept. of Persian Language and Literature, Farhangian University, Shahid Bahonar Campus, Birjand, Iran. Email: habib.hajipoor@yahoo.com

How to cite: H. Hajipoor. Moral teachings in the poem "to liberation" by hamid mossadegh with an approach to john searle's theory of speech acts. Ethics in Science and Technology. 2024,19(1): 1-8.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

آموزه های اخلاقی منظومه "تا رهایی" حمید مصدق با توجه به نظریه کنش های رفتاری جان سرل

دکتر حبیب حاجی پور

گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر، بیرجند، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۴)

چکیده

زمینه: حمید مصدق از جمله شاعران شاخص معاصر، در منظومه «تا رهایی» به موضوعات گوناگون اخلاقی اشاره کرده است. او با در نظر گرفتن کنش های گفتاری متنوع، این بن مایه ها را تبیین کرده و بر درک و بینش مخاطبان، تأثیر گذاشته است. جان سرل در زمره زبان شناسان مشهوری قرار دارد که درباره کنش های گفتاری توضیحاتی ارائه داده و برای آن انواعی در نظر گرفته است. در مقاله حاضر با استناد به منابع کتابخانه ای و روش توصیفی-تحلیلی، ظرفیت های اخلاقی و تعلیمی اشعار مندرج در منظومه «تا رهایی» با عنایت به مبانی نظریه کنش های گفتاری از جان سرل، بررسی و کاویده شده است.

نتیجه گیری: شاعر در کنش اظهاری به آموزه های اخلاقی همچون: «ستم ستیزی؛ اتحاد و همدلی؛ امید به زندگی و مأیوس نشدن در بدترین شرایط» اشاره کرده است. در ارتباط با کنش ترغیبی، مجموعه ای از بایدهای اخلاقی (عدم انفعال در برابر ظالمان؛ خودباوری) و نبایدهای اخلاقی (غم خوردن و گریه کردن در برابر ظالمان؛ غرور و خودبینی) برای مخاطبان تبیین شده است. کنش های عاطفی هم، بیانگر این مهم است که در صورت نفوذ وسوسه در آدمی، او محکوم به غم و اندوه است. همچنین، نبود پیوندهای عمیق انسانی در روزگار معاصر، دغدغه اخلاقی شاعر است. بررسی کنش تعهدی در اشعار مصدق نشان می دهد که او با استفاده از عناصر ایدئولوژیک و دینی، خود را متعهد به ظلم-ستیزی کرده است.

کلیدواژگان: حمید مصدق، منظومه تا رهایی، اخلاق، جان سرل، کنش های گفتاری

سر آغاز

«رعایت اخلاقمندی در وجود شاعران ... یکی از اصولی بود که با پایبندی به اسلوب آن، خصایص هنرورز به گوهری آراسته می شد. در حقیقت، اخلاق در شعر گونه ای نقادی شعر است». (۱) با نظر داشت این مهم، در تحقیق حاضر سعی شده است کیفیت آموزه های اخلاقی مورد نظر این شاعر بررسی و بازنمایی شود. بدین منظور، از مبانی نظریه کنش های گفتاری^۴ از جان سرل استفاده شده است؛ زیرا غالب اشعار حمید مصدق از پاره گفتارهایی شکل گرفته است که در کمترین زمان، مفاهیم غنی و اندرزی را به مخاطبان انتقال داده و زمینه های صعود معنوی را در آنها فراهم می آورد.

این تحقیق با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه ای تدوین شده است. برای تحلیل مؤلفه های اخلاقی مندرج در شعرهای حمید مصدق، از مبانی نظریه کنش های گفتاری جان سرل استفاده شده است.

در گستره شعر فارسی معاصر، شخصیت های بسیاری ظهور کرده اند و به مسائل متنوعی پرداخته اند. شعر معاصر را می توان برآیند دغدغه های فردی و گروهی دانست. در این بین، نام حمید مصدق مورد نظر بسیاری از منتقدان و محققان قرار گرفته است. او از موضوعات عاطفی، اجتماعی، سیاسی، دینی، فرهنگی و اخلاقی سخن گفته و در قالب جمله ها و پاره گفتارها^۱ به موضوعاتی پرداخته است که در چهارچوب فکری او از اهمیت برخوردار بوده اند. تعهد و مردم گرایی^۲ مصدق، او را نسبت به مسائل جمعی حساس کرده بود. در نتیجه، زمانی که شعرهای او را مورد نظر قرار می دهیم به مجموعه ای از اندیشه های انسان ساز برمی خوریم که در رشد و تعالی بینش افراد تأثیری محسوس دارند. اگرچه او به عنوان شاعری اخلاق گرا^۳ شناخته نمی شود، ولی پرداختن به اخلاق بخشی جدایی ناپذیر از اشعار اوست که با مسائل به ظاهر غیرمرتبط از جمله رویدادهای سیاسی و اجتماعی وقت، گره خورده است.

بحث

کنش های گفتاری از جمله اصطلاحات تخصصی هستند که به واسطه بررسی های زبان شناسی قرن بیستم شکل گرفته اند و به گفتمان های موجود راه پیدا کرده اند. تحقیقات فلسفی پیوند خورده با تحلیل زبان که در قرن بیستم در غالب کشورهای انگلیسی زبان گسترش یافت، مدتی بعد با نام سنت فلسفه تحلیلی^۵ نمود پیدا کرد. این فلسفه، شماری از مقوله های کلاسیک فلسفه را با روش های جدید ادغام کرد و در این رابطه به تحلیل معنا توجه نشان داد. (۲) در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی رشد ویژه ای در حوزه مسائل نظری به وجود آمد و فلسفه تحلیلی با مفهوم های نوین در آمیخت. نظریه کنش های گفتاری هم در چنین بستر و شرایطی رشد پیدا کرد و در آغاز با تکیه بر دیدگاه های جی.ال آستین شرح داده شد.

پایه اصلی پیدایی نظریه کنش های گفتاری به دلیل مخالفت های آن با نظرات پوزیتیویست های منطقی^۶ شکل گرفته است. در رویکرد این گروه، کارکرد محوری فلسفه زبان، ارزیابی جمله ها از نظر درستی و نادرستی است. اگر این گونه نباشد، آن جمله عاری از معنا به نظر می رسد. (۳) از دید آستین، زبان کارکرد توصیفی صرف جهت بازنمایی درستی یا نادرستی واقعیت ها ندارد و شماری از جمله ها در چهارچوب این تعریف قرار نمی گیرند و کارکرد متفاوتی را می توان برای آنها در نظر گرفت. در نگاه او، شماری از جمله ها از قابلیت ارزیابی صدق و کذب برخوردار نیستند و دلیل اصلی بازگویی این جمله ها، انجام کنش مندانانه یک عمل است و تأیید درستی و نادرستی یک مسأله جایگاهی ندارد. (۳) این گروه از جمله ها، «جمله های انجام گر»^۷ نامیده می شوند. (۵) هرگاه فردی از عبارتهایی مانند: «این زن را به همسری برمی گزینم» و «قول می دهم فردا به دیدنت بیایم» و ... را بازگو می کند، کاری در حال انجام شدن است. از این رو، باید این پاره گفتارها را کنش به شمار آورد. (۲)

آستین اعلام کرده بود که گوینده با اظهار هر جمله، حداقل سه کنش جداگانه را به انجام می رساند: الف) کنش تلفظی^۸ که به استفاده لفظی از واحدهای بیانی همچون: کلمه ها و جمله ها مربوط می شود. ب) کنش گزاره ای^۹ که گوینده زمان ایراد سخن درباره پدیده ای یا اسناد و حمل کردن چیزی در جمله را به انجام می رساند. (۵) ج) کنش منظوری^{۱۰} که در قالب یک جمله بازگو شده و دربر دارنده انتقال محتوای گزاره ای آن جمله و نیز، حمل و بار منظوری معین از سوی گوینده است (۶). پس از آستین، جان سرل سعی کرد با نگاهی انتقادی به دیدگاه های استاد خود بنگرد و در تکمیل مبانی آن بکوشد. او هدف های کنش های منظوری را در پنج متغیر شرح داده بود: اظهار^{۱۱}، ترغیبی^{۱۲}، تعهدی^{۱۳}، عاطفی^{۱۴} و اعلامی^{۱۵}. در نگاه سرل، سه متغیر در این تقسیم بندی نمودار هستند که عبارتند از: ۱. حالت های روحی و درونی ۲. کیفیت انطباق گفتار با دنیای بیرون ۳. محتوای گزاره ای (۵).

توضیحاتی درباره نظریه کنش های گفتاری سرل

در نظریه کنش های گفتاری، توجه اصلی بر پاره گفتارها است و جمله ها در اولویت قرار ندارد. «پاره گفتارها قطعات کوتاه یا بلند زبانی هستند که معنای آنها حاصل تعامل زبان و بافت تولید است. این رویکرد باعث می شود که انعطاف بیشتری در تحلیل ها پدیدار شود؛ زیرا از منظر کنش های گفتار، یک پاره گفتار می تواند کلمه، جمله یا گفتمانی کامل باشد». (۷) جان سرل در نظریه افعال گفتاری موضوعات مهمی مانند: حکایت، معنا، وابستگی فعل های گفتاری به نهادهای اجتماعی و نیز، چگونگی استنتاج^{۱۶} از «باید» را «است» را شرح داده و به بررسی ابعاد گوناگون آن پرداخته است. (۸) از دید سرل، زبان هم در بازنمایی و توصیف پدیده ها و هم در اجرای آنها اثرگذار است. بر این پایه، گوینده از زبان برای تقاضای انجام عمل (نقش امری)، انقضاء پیمان (نقش تعهدی)، ذکر تشکر (نقش عاطفی) و ... استفاده می کند. (۹) اهداف کنش های گفتاری در نظریه جان سرل شامل این موارد است: اظهار، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی.

کنش اظهار

چستی این کنش دربر گیرنده اظهارات، ادعاها و نتایجی است که گوینده به صدق یا کذب آن باور دارد و با اطمینان از این موضوع سخن می گوید. به عبارت دیگر، در این کارگفت، گوینده دیدگاهش را در ارتباط با درستی گزاره ها ذکر می کند و به تشریح رویدادها و پدیده های دنیای عینی و ملموس می پردازد (۱۱).

– **کنش ترغیبی:** گوینده با استفاده از این کنش گفتاری از مخاطب خود می خواهد عملی را به انجام برساند. در مجموع، از این کنش برای بازگویی درخواست، صدور فرمان، بیان پیشنهاد یا طرح سؤال استفاده می شود. (۵) هرگاه از کنش ترغیبی بهره برداری شود، گوینده برای تحریک شنونده بابت انجام یا ترک عملی، کلمه ها و عبارات و افعال مخصوصی را مورد نظر قرار می دهد (۱۱).

– **کنش عاطفی:** در کنش عاطفی به حالت های روحی و عواطف گوینده اشاره می شود. زمانی که گوینده ویژگی های درونی خود همچون: لذت، نفرت، پوزش خواهی، علاقه و حتی دشنام را بازگو می کند، از کنش عاطفی استفاده می کند (۲). این گزاره از طریق کلمه هایی با بار معنایی عاطفی و احساسی (تبریک و تسلیت، هجو و سپاس گذاری و ستایش کردن، افسوس خوردن و ...) روی مخاطب اثر می گذارد (۱۱).

– **کنش تعهدی:** از این کنش، زمانی استفاده می شود که گوینده خود را متعهد به انجام و تحقق امری در آینده نماید (۵). هرگاه در پاره گفتارها از افعالی مانند: قول دادن، سوگند یاد کردن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن و داوطلب شدن استفاده شود، کنش از نوع تعهدی خواهد بود (۵).

– **کنش اعلامی:** اگر هدف گوینده، ایجاد دگرگونی های واقعی در دنیای بیرون از راه گفتن چیزی باشد، کنش از نوع اعلامی خواهد بود. در پاره گفت هایی از این دست، غرض اصلی گوینده پدیدآوری شرایط

امور بازگوشده در محتوای گزاره‌ای است که به درستی انجام موفقیت- آمیز کنش گفتاری محدود و منحصر می‌شود(۲).

آموزه‌های اخلاقی در مجموعه «تا رهایی» با رویکرد به نظریه کنش‌های گفتاری

مصدق در مجموعه «تا رهایی» سعی کرده است به موضوعات گوناگون بپردازد. او هرگز یک‌بعدی به مسائل نمی‌نگرد و در تلاش است جامعه را در زمینه‌های متنوعی مورد بررسی و بازبینی قرار دهد. از جمله مواردی که در این مجموعه نمود ویژه‌ای دارد، مضامین اخلاقی و تعلیمی است که به رشد و تعالی قدرت درک مخاطبان می‌انجامد. از اخلاق با عنوان «طبیعت باطنی و شرست درونی» (۱۲) تعبیر شده است. مصدق هم به این بخش جدایی‌ناپذیر از وجود آدمی اشاره کرده است. نوآوری او در این زمینه درهم‌آمیزی موضوعات اخلاقی با مسائل اجتماعی و سیاسی است که این شاخصه، اثرگذاری سروده‌های او را بیشتر می‌کند.

۱. کنش اظهاری

این کنش از ارزش صدق و کذب برخوردار بوده و گوینده درست بودن آن را ادعا می‌کند. زمانی که گوینده تلاش می‌کند تا دنیای بیرون از ذهن خود را به گونه‌ای که باید تبیین می‌کند و نشان می‌دهد، نوع کنش مورد نظر را می‌توان اظهاری دانست(۱۳).

در اشعار مصدق هم نمود این کنش به روشنی دیده می‌شود. شاعر با اشاره به داستان ضحاک و کاوه، سعی دارد مفهوم اخلاقی ستم‌ستیزی را بازنمایی کند و مخاطبان خود را در زمان حال با این مهم آشنا کند که ایستادن در برابر ستم، امری در زمانی بوده و متعلق به زمان و دوره خاصی نیست. او کنش‌های ضحاک و کاوه را بازگو می‌کند و به تشریح اسطوره و افسانه می‌پردازد تا در نهایت، گزاره‌های ستم‌ستیزانه خود را اظهار کند. مصدق نسبت به کلامی که بر زبان می‌آورد، اطمینان دارد و با اعتقاد کامل و عاری از شبهه، تصویری کلی از سپاه دوست و دشمن را بازنمایی می‌کند.

نشسته از دهاک دیوخو / بر روی تخت خویش هشیار

مباد کس شود بیدار / لبانش تشنه خون بود

نمانده دور / ز چشم و گوش او پنهان‌ترین جنبش

لبش را می‌فشرد آهسته با دندان / غمین، پژمان

چنین با خویشتن نجوای گنگی داشت:

جز اینم آرزویی نیست / که ریزم زیر تیغ خویش خون مردمان هفت- کشور را (۱۴)

اتحاد و همدلی برای مبارزه با ستم و برهم‌زدن شرایط نامطلوب، یکی دیگر از سویه‌های کنش‌های اظهاری مصدق به حساب می‌آید. او روایت را به گونه‌ای پیش می‌برد که گویی در جمع معترضان حضور دارد و یکدستی آنها را از نزدیک مشاهده می‌کند. او میدانی را وصف می‌کند که ایرانیان به همراه کاوه گرد آمده‌اند و آماده جانبازی هستند. شاعر با این تصویرسازی و کاربست کارگفت‌های اظهاری، تلاش برای رسیدن

به هدفی سترگ را به عنوان مفهومی اخلاقی بازنمایی می‌کند. همچنین، گفتمان اخلاقی ایثارگری و جانبازی از مسائلی مهمی است که شاعر ادعای صدق آن را دارد و از دید او، برآیند اتحاد ایرانیان در بازار است.

در آن میدان / کنار کارگاه کاوه جمعی جنگجو، جانباز
فزونی می‌گرفت آن جمع را هرچند / در آنجا کاوه بر آن جمع جانبازان
جنگاور

نگاهی مهربان افکند / اگرچه بیمناک از جان یاران بود
همه یاران او بودند / همه یاران بالیمان او بودند / همه در انتظار لحظه
فرمان او بودند (۱۴).

از دید مصدق، اتحاد و همدلی یکی از محوری‌ترین کنش‌هایی است که مردم باید بروز دهند تا در نهایت، دشمن سرنگون شود و روزهای سبیدی و خوشی برآید. کاوه و مردم از بن جان با هم متحد شده‌اند تا بساط ظلم برچیده شود. اینها گزاره‌هایی اخلاقی هستند که از زبان مصدق بیان شده‌اند و شاعر در تبیین آن، ادعای صدق دارد. او از زبان کاوه و مردم، جهان خارج و عینی را به گونه‌ای توصیف می‌کند و به تصویر می‌کشد که باید باشد. دنیایی که در آن نشانی از کج اخلاقی‌های ضحاک‌ها نباشد و کنش‌های اخلاقی محور کاوه‌ها نمودار باشد.

در آن شب از دل و از جان / به فرمان سپهسالار کاوه، مردم ایران

ز دل راندند / نفاق و بندگی و خسته‌جانی را

و بنشانند / صفا و صلح و عیش و شادمانی را

نوازش داد باد صبحدم بر قلّه البرز / درفش کاویانی را (۱۴).

در شعر ذیل، امید به زندگی و مأیوس نشدن در بدترین شرایط، تبیین شده است. این کنش اظهاری همراه با ادعایی مطرح شده است که از دید گوینده، صادقانه به نظر می‌رسد و امکان داوری و اظهارنظر در ارتباط با آن برای دیگران وجود دارد. مصدق از خود با عنوان مرغ آتشین یاد می‌کند که اگرچه در شراره آتش می‌سوزد، ولی در اثر این سوختن، جانی دوباره پیدا می‌کند و به زندگی بازمی‌گردد. شاعر سعی می‌کند با طرح این ادعا، آموزه‌ای اخلاقی را بازنمایی کند و به مخاطبان خود این پیام را انتقال دهد که در هر دشواری امکان تجربه زیستی دوباره وجود دارد. زندگی در ساختار فکری شاعر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حاضر به تن دادن به مرگ و نیستی نمی‌شود. او علاقه‌مند به زندگی است و تمایل دارد در دنیایی از این دست حضور داشته باشد. کنش‌های گفتاری از نوع اظهاری در بازنمایی دیدگاه‌های امیدگرایانه شاعر، نقشی برجسته و محوری دارد.

من آن مرغ آتشم / می‌سوزم از شراره این عشق سرکشم

چون سوخت پیکرم / چون شعله‌های سرکش جانم فرونشست

آنگاه باز از دل خاکستر / بار دگر تولد من / آغاز می‌شود

و من دوباره زندگی‌ام را / آغاز می‌کنم (۱۴).

۲. کنش ترغیبی

زمانی که از کنش ترغیبی استفاده می‌شود، گوینده می‌خواهد مخاطب خویش را با تکیه بر اجبار یا تشویق، به انجام دادن یا ندادن کاری

بر رخس تلاش و امید شده و برای پیدا کردن نوشداروی زندگی بخش، مشغول جستجو شوند. نوشدارو را می توان همان دنیای آرمانی دانست که نه با دعا و گریه، بلکه با تلاش مستمر به دست می آید. مصدق با ذکر مجموعه ای از بایدها و نبایدها قصد دارد الگوهای رفتاری مطلوبی که دنیای کنونی و ایده آل را به هم نزدیک می کنند، برای مخاطبان خود شرح دهد.

سهراب مرده است، غمی سنگین / اما

غمی که افکند از پا / نیست

برخیز! / رخس سرکش خود / زین کن

امید نوشداروی تو / از کیست؟ ...

بگذر ز نوشداروی نامردان / چشم وفا و مهر نباید داشت

ای گردِ دردمند / ز بی دردان (۱۴)

نفی غرور و خودبرتربینی، آموزه های اخلاقی است که شاعر در سروده ذیل به آن اشاره کرده است. او اسفندیار را که دچار این رذیله ضد اخلاقی شده بود به عنوان مثال مطرح می کند تا حاصل گرایش به این پلشتی را به خوبی نشان دهد. مصدق بیان می دارد که سرنوشت شخصیت هایی چون: شغاد و اسفندیار، درس عبرت خوبی برای مخاطبان است. آنها نباید گرد غول غرور بگردند و خمیرمایه وجودی خویش را آلوده سازند.

اسفندیار را چه کنی تمکین؟ / این پرغرور مانده به بند «من»

تیر گزین خود به کمان بگذار / پیکان به چشم خیره سرش بشکن!

چاه شغاد، مایه مرگ توست / از دست خویش / بر تو گزند آید

خویشی که هست مایه مرگ خویش / باید شکست جان و تنش / باید (۱۴)

شاعر سعی می کند مخاطبان خموده و منفعل خود را به کنشگری و شور و اشتیاق دعوت کند. شعر ذیل، دوجهی است و امکان خوانش های اخلاقی و سیاسی از آن وجود دارد. مصدق به کنشگری یک فرد اشاره می کند که در دل تاریکی، مشعلی برمی افروزد و با صحبت های خود، به خواب رفتگان را تحریک و ترغیب می کند و با یادآوری مسئولیت اجتماعی آنان، ایجاد تحولات رفتاری و فکری را مطرح می کند. در واقع، راوی و گوینده فاصله آشکاری میان وضعیت مطلوب و نامطلوب می بیند. در نتیجه، این گونه زبان به انتقاد از سستی و ایستایی دیگران باز می کند.

افروخت مشعلی / شب را به نور شعله منور ساخت

و پشت پلک پنجره ها داد برکشید:

ای خواب رفتگان! / از پشت پلکتان بتکانید / گردن قرون مانده به مژگان را

فریاد کرد و گفت: / ای چشم هایتان / خورشید زندگی

خورشید از سراجۀ چشم شما شکفت (۱۴)

۳. کنش عاطفی

هرگاه از کنش عاطفی استفاده شود، معمولاً رویکرد یا حالت روان-شناسانه گوینده بیان می گردد. در این زمینه می توان به مواردی چون: تأسف، شکوه گری، لذت، علاقه یا نفرت اشاره کرد. در کنش عاطفی

دعوت و ترغیب کند. (۱۱) کنش گفتاری مذکور از نمودهای گوناگونی برخوردار است و به شکل پرسش، درخواست و دستور ارائه می شود. هنگامی که گوینده از کنش ترغیبی جهت انتقال اغراض خویش استفاده می کند، ایجاد هماهنگی بین دنیای بیرونی و جهان مطلوب و ایده آل، مورد نظر وی قرار دارد (۱۵). در کنش ترغیبی، گوینده سعی دارد دنیایی باب میل خود را محقق سازد و جهان را به گونه ای که خوشایند است، به تصویر درآورد.

در اشعار حمید مصدق، بارها از این نوع کنش استفاده شده است. شاعر بسیاری از آموزه های اخلاقی را با تکیه بر این کنش شرح داده است. اصولاً زمانی که کنش ترغیبی مورد نظر قرار می گیرد، مجموعه ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی مطرح می شود و طرف مقابل هم، ملزم به رعایت آن می شود. در شعر ذیل، مفهوم ستم ستیزی و شوریدن علیه نیروی ظالم بازنمایی و تبیین شده است. شاعر نشستن و غم خوردن در برابر جور و جفا را منطقی نمی داند و آن را می نکوهد. سپس، بایدهای اخلاقی را در این زمینه شرح می دهد و بپا خاستن و تلاش کردن را توصیه می کند. در واقع، از دید مصدق، برچیدن بساط ستم با انفعال محقق نمی شود، بلکه باید اقدامی عملی انجام داد.

شما را تا به چند آخر / نشستن روز و شب اندوه و غم خوردن

شما را تا به کی باید / در این ظلمت سرا عمری به سر بردن

بپا خیزید / کف دستانتان را قبضه شمشیر می باید

کماندارانتان را در کمان ها تیر می باید / شما را عزمی اکنون راسخ و پیگیر می باید (۱۴).

دعوت به پویایی و نکوهش انفعال در شعر ذیل دیده می شود. مصدق از مخاطبان خود می خواهد تا طلسم های روزگار را از بین ببرند و سکوت و خموشی را الگوی رفتاری خود قرار ندهند. او افراد ایستا و منفعل را فراموش شدگانی می داند که در چاه گرفتار آمده اند. در نتیجه، برای برون رفت از این شرایط نامطلوب، باید به راه افتاد و حماسه ای کاوه گون آفرید. از دید شاعر، صرفاً با خواندن سرود اندوه و اشک ریختن، مشکلی حل نمی شود و اوضاع تغییر پیدا نمی کند. آنچه میان جهان آرمانی و دنیای کنونی، تعادل و نزدیکی برقرار می کند، پرهیز از بایدها و گرایش به بایدهای اخلاقی است که حمید مصدق در شعر ذیل بازنمایی کرده است.

بشکن طلسم حادثه را / بشکن!

مهر سکوت از لب خود بردار / منشین به چاهسار فراموشی

بسپار گام خویش به ره، / بسپار

تکرار کن حماسه خود، تکرار

چندان سرود سوک، / چند می خوانی؟

نتوان نشست در دل غم، / نتوان

از دیده سیل اشک، / چه می رانی؟ (۱۴)

خودباوری و تکیه به خود در شعر ذیل بازنمایی شده است. شاعر وجود موانع و مشکلات بسیار را در راه رسیدن به کامیابی ها منکر نمی شود، ولی باور دارد که این سختی ها نباید دلیلی برای ایستایی باشد. او خواهان تکاپو و پویایی است. در ساختار فکری مصدق، افراد باید سوار

«تلخی» که با واژه «تداوم» گروه خورده است، این حس نامطلوب را برجسته تر می کند.

دیگر زمانه مجنون نیست / فرهاد / در بیستون مراد نمی جوید؛
زیرا بر آستانه خسرو / بی تیشه ای به دست کنون سر سپرده است
در تلخی تداوم و تکرار لحظه ها / آن شور عشق
عشق به شیرین را / از یاد برده است. (۱۴)

۴. کنش تعهدی

زمانی که کنش تعهدی مورد نظر باشد، فرد گوینده انجام مسئولیت و کاری را آگاهانه و داوطلبانه به خود واگذار می کند. «گوینده [به دلیل استفاده از فعل هایی که برای نشان دادن کنش تعهدی به کار گرفته می شوند] خود را به موضوعی ملتزم و پایبند می کند و وعده می دهد». (۲) کنش ترغیبی و تعهدی کاربردی عکس هم دارند؛ زیرا در کنش ترغیبی، گوینده دیگران را خطاب قرار می دهد و آنها را به انجام یا ترک عملی دعوت می کند و از آنها انتظار ایجاد تغییر دارد، ولی در کنش تعهدی، گوینده خود را خطاب قرار می دهد و نوعی الزام برای خویش به وجود می آورد تا کاری را انجام دهد یا ندهد. اگر کسی از کنش تعهدی برای بازنمایی رویکرد خود بهره بگیرد، خود را در معرض کنشی قرار می دهد که بر اساس آن، از سوی اطرافیان مورد ارزیابی و قضاوت قرار می گیرد.

نمود این کنش در مجموعه «تا رهایی» در چند مورد دیده می شود. در غالب موارد، روایت ها به گونه ای پیش رفته است که راوی و گوینده از دیگران انتظار ایجاد تغییر دارد، ولی گاهی راوی و شخصیت های حاضر در اشعار، خود را خطاب قرار داده و انجام عملی را به دیگران قول می دهند. بر این پایه، طبق روایت حمید مصدق، کاوه پیش از حمله به کاخ ضحاک، با خداوند به راز و نیاز می پردازد و با او پیمان می بندد که با ستمکاران ستیز کند و با تکیه بر خرد و تدبیر، در برابر ضحاک آماده نبرد شود. این رویکرد، نفوذ گفتمان ایدئولوژیک را در فرهنگ ظلم-ستیزی ایرانیان نشان می دهد.

خدای عهد و پیمان، میترا / دیر است، اما زود
مگر سازیم بنیاد ستم نابود / به نیروی خرد از جای برخیزیم
و با دیو ستم آنسان درآویزیم و / بستیزیم
که تا از بن / بنای اژدهاکی را براندازیم
به دست دوستان از پیکر دشمن / سراندازیم
و طرحی نو دراندازیم (۲)

در بخشی از مجموعه «تا رهایی»، کاوه آهنگر متعهد می شود تا کنش و رفتاری ستم ستیزانه داشته باشد. در واقع، او به عنصرهای مذهبی و ایدئولوژیک همچون: «دادار خردمند و نور» سوگند یاد کرده و این گونه خود را متعهد می کند تا در برابر حکومت سراسر ظلم ضحاک، ایستادگی نشان دهد. بازتاب این کنش در شعر ذیل، بیان می دارد که کاوه از مسئولیت پذیری اجتماعی برخوردار است و صرفاً به منافع شخصی خود نمی اندیشد:

به دادار خردمندی / که بی مثل است و بی مانند

لرماً سازگاری بین ذهن و دنیای خارج وجود ندارد. در واقع، امکان دارد که دنیای درون به گونه ای رقم بخورد که هیچ سنخیتی با دنیای بیرونی نداشته باشد. در مجموع، مصداق های کنش عاطفی در واکنش های زیستی از جمله: سرزنش، تبریک، تحسین، سپاس گذاری و پوزش خواهی دیده می شود (۶). زمانی که کنش عاطفی بیان می شود، احساسات مثبت یا منفی گوینده با استفاده از ظرفیت های کلمه های عاطفی انتقال داده می شود. (۱۶)

شاعر با تلمیح به داستان رانده شدن آدم و حوا از بهشت، سعی دارد به پیامدهای منفی وسوسه شدن اشاره کند. او بیان می دارد که دیو وسوسه باعث ایجاد حس اندوهناکی در آدم و حوا شده است. در واقع، شاعر می خواهد این باور را تبیین کند که گرایش به نیروی شیطانی، نتیجه ای نامطلوب به همراه دارد و آدمی را از منزلت اصلی خود دور می کند. او برای نشان دادن آثار مخرب روحی و عاطفی تخلق به این رذیله اخلاقی، شرایط نامطلوب و بحرانی نیاکان نوع بشر را بازگو می کند و کنش های عاطفی در این زمینه کاملاً مؤثر به نظر می رسد.

نفرین به دیو وسوسه / نفرین به هوشیاری
آری عقاب شیطان را / من در بهشت دیدم
و نیز، رنج آدم و حوا را / در این زمین زندان / و رنج جاودانه انسان
دیدم مرا / این غرق در ملال
دیو محیط من، این دیو اضطراب / می کاهد از درون، چو چناران دیرسال (۱۴)

شاعر از نبود پیوندهای عمیق انسانی انتقاد می کند و سعی دارد سیمایی همراه با سیاهی و سردی را از جامعه ای به تصویر بکشد که در آن محبت و عاطفه ای میان انسان ها وجود ندارد. مناسبات بین فردی با چالش هایی عمیق مواجه شده است که تداوم این وضعیت عواقب نامطلوب بسیاری به همراه خواهد داشت. شاعر با کاربست کنش عاطفی از دلمردگی جامعه انسانی ابراز نگرانی کرده و تلویحاً خواستار بازنگری بشر معاصر در شرایط کنونی شده است:

باور کن اعتماد / از قلب های کال
بار رحیل بسته / و مهربانی ما را
خشم و تنفر افزون / از یاد برده است
باور نمی کنی / که حس پاک عاطفه در سینه مرده است؟! (۱۴)

نبود عشق و عاطفه در جامعه نکته ای عمیق است که به عنوان یکی از چالش های اصلی در جامعه معاصر دیده می شود. شاعر با اشاره به شخصیت های عاشق مسلک در گذشته و با نگاهی هنجارگریزانه سعی می کند به بیماری بی عاطفگی در دوران معاصر اشاره کند. مصدق باور دارد که عشق ها در این دوران، سطحی و ظاهری هستند و عاشقان حقیقی، کنش هایی صادقانه -آنگونه که امثال فرهاد و مجنون داشته- اند- از خود بروز نمی دهند و حاضر به فداکاری برای رسیدن به معشوق نیستند. البته، این را می توان برداشت شاعر از وضعیت موجود و احتمالاً بزرگ نمایی های او دانست. کاربست فعل های «نیست؛ نمی جوید؛ از یاد بردن» در انتقال عواطف منفی به مخاطب اثری ملموس دارد و واژه

سعی دارد سیمایی همراه با سیاهی و سردی از جامعه به تصویر بکشد و نگاه مخاطبان را به این مسأله حیاتی جلب کند. بررسی کنش تعهدی در اشعار مصدق نشان می‌دهد که شاعر با استفاده از عناصر ایدئولوژیک و دینی، خود را متعهد به ظلم‌ستیزی کرده و آن را به عنوان شعار اخلاقی کنشگری‌های خود برگزیده است. این رویکرد، نفوذ گفتمان ایدئولوژیک را در فرهنگ ظلم‌ستیزی ایرانیان نشان می‌دهد. همچنین، بازتاب این کنش در شعر مصدق بیان می‌دارد که شخصیتی چون کاوه از مسئولیت‌پذیری اجتماعی برخوردار است و صرفاً به منافع شخصی خود نمی‌اندیشد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- | | |
|---|----------------------|
| 1. Fragments of speech | پاره‌گفتار |
| 2. populism | مردم‌گرایی |
| 3. moralistic | اخلاق‌گرا |
| 4. Speech Acts | کنش‌های گفتاری |
| 5. analytical philosophy | فلسفه تحلیلی |
| 6. Logical positivists | پوزیتیویست‌های منطقی |
| 7. Performative Utterances | جمله‌های انجام‌گر |
| 8. Pronunciation action | کنش تلفظی |
| 9. Propositional action | کنش گزاره‌ای |
| 10. purposeful action | کنش منظوری |
| 11. Representative Act or Assertive Act | کنش اظهاری |
| 12. Directive Act | کنش ترغیبی |
| 13. Commissive Act | کنش تعهدی |
| 14. Expressive Act | کنش عاطفی |
| 15. Declaration Act | کنش اعلامی |
| 16. inference | استنتاج |

References

- Safari-Nejad H, Halabi AA. (2018). The position of the philosophy of praise and praise in the creation of moral and social criticisms in Saadi's generalities and Khajawi Kermani's divan. *Ethic in Science and Technology*; 14(3): 15.
- Searle JR. (2008). *Verbs of speech; An inquiry into the philosophy of language*. translated by MohammadAli Abdullahi. 2nd ed. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Science. Pp. 15-224.
- Levison SC. (1983). *Pragmatics*, Cambridge: Cambridge University Press. P. 227.
- Austin, JL. (1971). *How to do things words*. Oxford: Oxford University Press. P. 13.

به نور، این روشنی‌بخش دل و جان و جهان، سوگند که می‌بندیم امشب از دل و از جان همه پیمان که چون مهر فروزان از گریبان افق سر برکشد تابان جهانی را ز بند ظلم برهانیم / ز لوث اژدهاک پیر / زمین را پاک گردانیم . (۲)

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد حمید مصدق در موارد اندکی به صورت مستقیم به اخلاقیات اشاره کرده است. او همواره با بیانی غیرمستقیم و از طریق درهم آمیختن مضامین سیاسی و اجتماعی با موضوعات اخلاقی و تعلیمی، اغراض اولیه و ثانویه‌اش را تحقق بخشیده است. شاعر در کنش اظهاری به آموزه‌های اخلاقی همچون: «ستم‌ستیزی؛ اتحاد و همدلی؛ امید به زندگی و مأیوس نشدن در بدترین شرایط» اشاره کرده است. شاعر با اشاره به داستان ضحاک و کاوه، سعی دارد مفاهیم اخلاقی بالا را بازنمایی کند و مخاطبان خود را در زمان حال با این مهم آشنا کند که ایستادن در برابر ستم، امری در زمانی بوده و متعلق به زمان و دوره خاصی نیست. اینها گزاره‌هایی اخلاقی هستند که از زبان مصدق بیان شده‌اند و شاعر در تبیین آن، ادعای صدق دارد. او از زبان شخصیت‌های داستان، جهان خارج و عینی را به گونه‌ای توصیف می‌کند و به تصویر می‌کشد که باید باشد. دنیایی که در آن نشانی از کج‌اخلاقی‌های ضحاک‌ها نباشد و کنش‌های اخلاق‌محور کاوه‌ها نمودار باشد. در ارتباط با کنش ترغیبی، مجموعه‌ای از بایدهای اخلاقی (عدم انفعال در برابر ظالمان؛ خودباوری) و نبایدهای اخلاقی (غم خوردن و گریه کردن در برابر ظالمان؛ غرور و خودبینی) برای مخاطبان تبیین شده است. دعوت به پویایی و نکوهش انفعال در بسیاری از اشعار مصدق دیده می‌شود. او از مخاطبان خود می‌خواهد تا طلسم‌های روزگار را از بین ببرند و سکوت و خموشی را الگوی رفتاری خود قرار ندهند. آنچه میان جهان آرمانی و دنیای کنونی، تعادل و نزدیکی برقرار می‌کند، پرهیز از نبایدها و گرایش به بایدهای اخلاقی است. کنش‌های عاطفی هم، بیانگر این مهم است که در صورت نفوذ وسوسه در آدمی، او محکوم به غم و اندوه است. همچنین، نبود پیوندهای عمیق انسانی در روزگار معاصر، دغدغه اخلاقی شاعر محسوب می‌شود. او

- Searle JR. (1968). *Speech acts*. Cambridge: Cambridge university press. Pp. 25-405.
- Huang, Y. (2006). *Speech Acts*. In Brown. K, Barber A, Stainton RJ. (ed). *Concise encyclopedia of philosophy of language and linguistics*. Oxford: Elsevier Ltd. Pp. 709-721.
- Hosseini-Masoom SM, Radmard A. (2014). The effect of temporal-spatial context on speech-action analysis; Comparison of the frequency of speech acts in the Meccan and Madani surahs of the Holy Qur'an. *Bimonthly Journal of Linguistic Studies*; 6(24): 72.
- Lepore E, VanGulick R. (1991). *Readings in the Philosophy of Language*. Oxford: Blackwell.

9. ZiaHosseini M. (2011). Word of mouth. Tehran: Rahnama. P. 43.
10. Askari-Matin S, Rahimi A. (2012). Analysis of legal discourse; Analyzing the role of discourse in the legal context. Journal of Linguistic Studies; 4(15): 157.
11. Crystal D. (2008). A Daictionary of linquis ticsand phonetics. 6th ed. Oxford: Black well publishing Ltd. Pp. 130-413.
12. Rakei F. (2013). Ethics in Poetry. Ethics in Science and Technology; 9 (3): 2.
13. Barber A, Stainton RJ. (2010). Concise encyclopedia of philosophy of language and linguistics. Oxford: Elsevier Ltd. P. 709.
14. Mossadegh H. (2004). Until liberation. 10th ed. Tehran: Zaryab Publication. Pp. 10-95.
15. Martínez-Flor A. (2005). A Theoretical review of the speech act of suggesting: Towards a taxonomy for its use in FLT. Revista Alicantina de Estudios Ingleses, Alicante; 5(18):168.
16. Safavi K. (2012). Applied semantics. 2nd ed. Tehran: Hamshahri. P. 178.